

ملاحظات عمومی

بر

فصل سوم

(۱۲۷۴ - ۱۳۴۹ هـ)

وضع سیاسی و اجتماعی این دوره

در این دوره انگلیسها در نتیجه دسایس و توطئه های دامنه داری که برای برانداختن سلطنت تیموری در هند چیده بودند بالاخره توانستند نقشه خود را عملی سازند و بعد از فروپاشی شورس ۱۸۵۷ م / ۱۲۷۴ هـ در همان سال طبق اعلامیه صادره از طرف سلطنت انگلستان بحکومت کمپانی هند شرقی^۱ خاتمه داده شد و ملکه و کتوریای انگلستان « نا کمال لطف » سرزمین هندوستان را حرو مستعمرات خود قرار داده و نماینده خود را بعنوان حاکم اعلی^۲ و نایب السلطنه^۳ انگلستان برای شه قاره هندوستان فرستاد با گفته نماید که تا استقلال کامل^۴

۱ - در تاریخ هند این شورش را سام و عدر « (Mutiny) یاد میکنند این اولین کوششی بود از طرف اهالی هند برای بیرون کردن انگلیسها از آن کشور که متأسفانه نتیجه مثبتی نداشتید والا سو بوشت تاریخی آن سرزمین نکلی عوس میشود در تاریخ هند دوره ای بنام « دوره استعمار انگلستان » که تقریباً صد سال طول کشید دیده نمیشد

۲ - East India Company

۳ - Governor-General

۴ - Viceroy

۵ - پاکستان و هندوستان روز ۱۴ و ۱۵ اوت ۱۹۴۷ مستقل شدند اما هندوستان روز ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰ م و پاکستان روز ۲۳ مارس ۱۹۵۶ م جمهوری شد اولین حاکم اعلی پاکستان مرحوم محمد علی جناح و اولین حاکم اعلی هند همان لرد مونت باتن (Lord Mountbatten) که قلمدار استقلال و تقسیم شه قاره هند بعنوان حاکم اعلی از طرف دولت انگلستان بر هندوستان حکومت میکرد . از طرف رهبران سیاسی و ارباب حلو و عقد آن کشور بوداد انتخاب شد و تارور جمهوری بعنوان حاکم اعلی بر هندوستان حکومت میکرد

هند و پاکستان انگلستان بوسیله همین حکام اعلی و نواب السلطنه بر هندوستان حکومت میکرده است

وضع زبان و ادب فارسی در این دوره

در این دوره انگلیسی بزودی جای فارسی را بعنوان زبان رسمی و اداری مملکت هند گرفت اما در اواخر سلطنت انگلستان در نتیجه اصرار اهالی هند در اکثر نقاط هندوستان استعمال زبانهای داخلی و محلی مانند اردو و هندی و بنگالی در بعضی ادارات محلی مانند دادگاهها محارقرار داده شد

در هر حال فارسی که قبل از سلطنت انگلیسها زبان رسمی و ادبی هندوستان بود جای خود را با انگلیسی و تا اندازه ای به بعضی زبانهای داخلی داد و حتی بتدریج در میدان ادبی بجز انگلیسی و اردو و هندی و بنگالی و بعضی زبانهای محلی دیگر جای فارسی را گرفتند

اما هنوز در این دوره محبوبیت شعر و ادب فارسی در هندوستان نکلی از میان نرفت و در بعضی نواحی بزم مستقل مانند حیدرآباد دکن و بهوپال بعزت تشویق حکام آنجا و همچنین در بعضی نقاط دیگر هند سبب ذوق ادبی مردم بفارسی شعر میسروده و گاهی نوشتن کتب فارسی میپرداخته اند

تذکره نویسی در این دوره

از میان سیزده تذکره فارسی که در این دوره در شبه قاره هندوستان تألیف شد تقریباً نصف آن یعنی شش تذکره در بهوپال ترتیب داده شد که از آن شش کتاب سه کتاب تذکره را نواب صدیق حسن خان نایب ریاست بهوپال و دوپسر او تهیه نمودند و همچنین دو کتاب دیگر بنام احترتانان و تذکره الحواتیر، بجز بنام نواب شاه جهان بیگم والیه بهوپال عنوان شده و یک تذکره دیگر را میرزا محمد امین علی و کارمندان ریاست بهوپال ترتیب داده است همچنین تعداد زیادی از کتب فارسی در موضوعات مختلف باهتمام و کوشش و تشویق حکام

ادب پرور حیدرآباد دکن و بهوپال مخصوصاً نواب شاهجهان بیگم و نواب صدیق حسن خان تألیف و منتشر شد .

از میان تمام تذکرة های فارسی این دوره تنها تذکرة الحواتین رایك نعر ایرانی نام میرزا محمدملك الكتات شیرازی نام نواب شاهجهان بیگم نوشته است و بقیه را نویسندگان هندوستان تألیف و تنظیم کرده اند

از تذکرة های این دوره ریاض الفردوس و شمع محفل سخن و شمع انجمن و صبح گلشن و روز روشن و تذکرة الشعراء عی تدکرة های عمومی هستند یعنی شامل شعرای متقدم و متأخر میباشد و نگارستان سخن تنها درباره شعرای متأخر و «هفت آسمان» درباره کسانی که مشوی (در بحر سریع) سروده اند و اخترتابان و تذکرة الحواتین ملك الكتات شیرازی و حدیقه عشرت تنها درباره زبان شاعر فارسی و تکمله مقالات الشعراء در دکن شعرای متأخر سد و سخنوران چشم دیده درباره شعرای معاصر مخصوصاً ارحیدرآباد دکن میباشد

سك تازه انشای تدکرة نگاران در این دوره

در میان تذکرة نگاران این دوره سك انشای نویسندگان شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن و روز روشن و اخترتابان و تذکرة الحواتین و حدیقه عشرت مصوغ بوده و مخصوصاً درسه کتاب اول در اکثر موارد شمر مسجع بکار رفته است اما در بقیه کتب سك نویسندگان آن ساده است و تنها در مقدمه و موقع تعریف شعر اصنعت بکار رفته است.

روی پهرفته غیر از مطالبی که در تذکرة های این دوره درباره شعرای متقدم از تذکرة های سابق نقل شده از روش مطالبی که درباره شعرای متأخرین آمده است خیلی کم میباشد و اشعاریکه از شعرای معاصر این دوره در این تذکرة ها آمده است اکثر فاقد لطف و حدیث فکر و تازگی مضامین میباشد و این حقیقت را میرساند که شعر فارسی در این دوره نه پست ترین نقطه انحطاط خود در شبه قاره هندوستان رسیده بود

در هر حال تذکرة های فارسی این دوره نشان میدهد که هنوز ذوق شعری و

ادبی فارسی در هندوستان بکلی از بین نرفته بود و عده ای از شعرا و نویسندگان آن کشور باین زبان شعر میسروده و کتبی تألیف میگردید .

تذکره های فارسی راجع به شعرای اردو

همچنین يك نکته قابل توجه دیگر اینست که در این دوره و در آخر دوره سابق بسیاری ارتد کره ها درباره شعرای اردو تیر بر بان فارسی تألیف شده است در این تذکره ها مانند تذکره هندی، مصحفی گاهی مؤلف آن در ضمن نقل اشعار اردو و بعضی اشعار فارسی شعرا را هم بطور نمونه آورده است اینک درباره تذکره های فارسی که در این دوره در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است بحث میشود.

ریاض الفردوس

ابتدا

خاکی نژاد صعیف البیان گم کرده هوش و حرد اس بدیر محاسن و حوش و انعام سنگ سی آدم محمد حسین (را) که سپیدار سیه (را) ممتاز بتواند کرد کهجا ره ره و کی مجال آن دارد که محممت حساب احدیت عرا سمه که وجود کونین ادبی صفت ایحادیه اوست «

مؤلف

اسم مؤلف مولوی محمد حسین حاب و اسم پدرش علام قادر حان صاحب شاهجهان پوری است (شرح حال مؤلف بدست بیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را به سال ۱۳۷۶ هـ تألیف کرد.

این کتاب مشتمل است بر ذکر صنو پنجاه و شش شاعر بترتیب تاریخی کتاب «ریاض العردوس» مشتملست بر سه جلد اول شامل شعرای عربی جلد دوم شامل شعرای فارسی و جلد سوم شامل شعرای اردو میباشد.

جلد دوم یا مقاله ثابیه مشتملست بر دو باب **باب اول** در نظم (شعر) و **باب دوم** در نثر **باب اول** مشتملست بر پنج فصل بدینقرار

فصل اول در حمد و نعت و منقبت

فصل دوم در واسوخت^۱ و محمس

فصل سوم در عریات و قطعات

فصل چهارم در صایع لفظی و معنوی و تاریخ وفات حضرت رسول و خلفای راشدین و حضرت فاطمه و حسنین و دیگر بزرگان دین و اشعار مکتوبی که در مکاتبات بکار آید و اقسام نثر را آرایش دهد

۱- اصطلاح شعری است که بسیاری از شعرای فارسی زبان هند اعماد ایرانی و هندی بکار برده اند اما در ایران هیچوقت متداول نموده است واسوخت بمعنی واسوختن = سوختن و اعراض کردن و روگردانیدن و بیرار شدن از معشوق و مطلوب (فرهنگ نمایی) با اصطلاح شعرای ایران بیرادی و اعراض و روگردانی از معشوق (آسودراج) واسوختن = اعراض کردن و روگردانیدن از چیری و ترك عشق گفتن (بهار عجم) و روگردانی کردن از معشوق (آسودراج) در شبه قاره هند و پاکستان نوعی از شعر بوده که طی آن شاعر از معشوق گله و شکوه میکند و اظهار بیرادی از او نموده معشوق را مورد ملامت و توبیح و سرزنش قرار میدهد و این شعر تقریباً اعلامیه ترك عشق عاشق با معشوق خود بوده است چنانکه «حواهر اللغات» (اردو) تألیف پاندیت راجنات راوی بهادر چاپ هند ۱۹۲۴ میلادی واسوختن را چنین معنی میکند «بیرار هونا - مه پپیر لیا یعنی بیرار شدن و روگردانی سپس می نویسد . «اسی لئی واسوخت اس کلام کو کھتی هیں حسین معشوق کو حلی کھی سانی هیں» یعنی واسوخت شعریست که در آن معشوق را مورد ملامت و سرزنش قرار میدهد

فصل پنجم یعنی تذکره شعرا مشتملست بر دو قسمت بقرار زیر:

قسمت اول شامل ذکر صد و چهل شاعر متقدم و متأخر که با «ابوالحسن رودکی» شروع شده به «محمد یعقوب حلیم» تمام میشود قسمت دوم که مشتملست بر ذکر شاعرهای متقدم و متأخر و با «مسماة نوره‌ها» بیگم منتهی «شروع شده با «شریف بانو همدنی» تمام میشود.

این تذکره بسیار مختصر است و قسمت تذکره این کتاب مشتملست بر سی صفحه، در ذیل اکثر شعرا مؤلف آنها را در یک سطر معرفی کرده و يك یادوبیت را از آنان نقل کرده است

چاپ

مطبع منشی بولکشور سنه ۱۲۸۴ هـ

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به چاپ بولکشور ۱۲۸۴ هـ

شمع محفل سخن

اسم مؤلف سید عبداللطیف منخلص به الطاف حسینی است. مؤلف «اعتقادنامه» حامی را بشعر اردو ترجمه کرد و آن ترجمه در ۱۲۷۲ هـ نامتن فارسی در مدراس چاپ شده است.

این تذکره مشتملست بر ذکر شعرای ایرانی و هندوستانی

نسخه خطی: رجوع شود به مدراس ش ۱۲۷۹

هفت آسمان

ابتدا

«الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسول محمد الامين و على آله واصحابه

اجمعين»

شرح حال مولف

مولف آقا احمد علی متخلص به احمد است و اسم پدرش شجاعت علی است و خانواده وی همراه نادرشاه بهندوستان رفت احمد علی برور ۱۰ شوال ۱۲۵۵ هـ در دهلی متولد شد

اسم تاریخی او «مظهر علی» است که سال ولادت او را میسراند. از اوایل عمر صحت اطلاعات وسیعی که در زمینه ادبیات فارسی داشت در هندوستان خیلی معروفیت پیدا کرد و در سال ۱۸۶۲ م در کلکته مدرسه احمدیه را تأسیس نمود و تا آخر عمر ریاست آن مدرسه را بعهده داشت

در سال ۱۸۶۴ م بتوصیه پروفیسور کوول احمد علی سمت معلمی فارسی در مدرسه دولتی کلکته انتخاب شد و در سال دیگری مؤید برهان را منتشر کرد این کتاب تصره باقدانه است بر کتاب برهان قاطع وطی این کتاب احمد علی در مقابل انتقاد شدیدی که غالب دهلوی شاعر معروف برای فرهنگ در کتاب خود قاطع برهان نموده بود از مؤلف این فرهنگ دفاع کرده است.

پس چون غالب دهلوی کتابی در جواب این رساله نوشت احمد علی رساله دیگری با نام «شمسیر تیزتر» را انتشار داد

۱- استوری دهاکه نکال شرقی

۱- Professor Cowell

یزدو کتاب احمدعلی در زمینه فرهنگ نویسی دارای اهمیت فراوانی میباشد. در ۱۸۶۶ هـ کتابی بنام « رساله ترانه » درباره رباعی فارسی تألیف نمود و بلوخرمان برای اینکه حق شاگردی وی را ادا کرده باشد این کتاب را بطبع رسانید. همچنین احمد علی چند کتاب دیگر نیز تألیف کرد و بعضی کتب قدیم را با تصحیح و حواشی خود به چاپ رسانید.

« هفت آسمان » تذکره مورد بحث آخرین اثر احمدعلی است اما بعلمت مرگ ناگهانی مؤلف تنها آسمان اول (از جمله هفت آسمان) چاپ شد و شش آسمان دیگر این کتاب بعد از مرگ او چاپ نشد.

احمدعلی بروز ۶ ربیع الثانی ۱۲۹۰ هـ (مطابق ژوئن ۱۸۷۳ م) بعارضه تب چشم ارحمان برست.

آثار مؤلف

۱- مؤید برهان - در دفاع از برهان قاطع در مقابل اعتراضات غالب دهلوی - این کتاب در سال ۱۸۶۵ در ۲۷۵ صفحه در مطهر العجایب پرس کلکته بطبع رسید.

۲- شمشیر تیزتر - در جواب رساله « شمشیر تیز » تألیف غالب که وی در جواب « مؤید برهان » نوشته بود این رساله در ۱۰۶ صفحه در ۱۸۶۸ میلادی در کلکته چاپ شد.

۳- رساله ترانه - درباره رباعی فارسی که اچ - بلوخرمان در ۱۸۶۲ در کلکته چاپ کرد.

۴- رساله اشتقاق - دستور مقدماتی فارسی

همچنین احمدعلی در تصحیح و چاپ در قسمت اول اکر نامه و اقبالنامه جهانگیری و مآثر عالمگیری و منتخب التواریخ و سکندرنامه و ویس و رامین که از طرف انجمن کتاب هند یا الرحمن آسیائن بنگال منتشر شده بود همکاری داشت

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در ۱۲۸۵ هـ مطابق ۱۸۶۹ میلادی تألیف نموده است و در باره سبب تألیف در مقدمه چنین توضیح داده است

« اما بعد فقیر کثیر التقصیر احمد و امین‌نماید که پیشتر از این اهالی کمیته ایشیا تک سوسیته کلکته نصف اول از جلد دوم سکندرنامه که در این دیار بحری اشتهار دارد بتصحیح جناب دکتر اشپرنگر صاحب و آغا محمد شستری بطبع آوردند و این روزها که سه یکپاره و هشتصد و شصت و نه عیسوی (میلادی) و سه یکپاره و دو صد و هشتاد و پنج هجری می‌باشد ارباب کمیته مزبور نصف اخیر آن (را) بتصحیح فقیر طبع کردند سپس خواستند که ترجمه مصنف آن شیخ بزرگوار نظامی گنجوی علیه الرحمه بسازند از بیان مثنوی .. مرقوم و مطبوع شود با این از تذکره . آنچه تعلق بدین دانش استنطاق و التقاط نمودم و درین اوراق بتحقیقی که میسر شد ثبت کردم و چون مرد محققان سخن اوران مثنوی هفت می‌باشد و این رساله بالاصاله در بیان آنست این را «هفت آسمان» نام کردم و (دریک) اوج و هفت آسمان و (یک) افق مرتب

مؤلف در مقدمه نوشته است که غیر از کتب عروس و قوافی و رسایل قواعد و صایع و بدایع و حر آن از کتابهای زیر در تألیف این کتاب استفاده کرده است

- ۱- معجانات الاسب حامی
- ۲- بهارستان حامی
- ۳- تذکرة الشعراءى دولت‌شاه سمرقندی
- ۴- هفت اقلیم محمد امین رازی
- ۵- مرآت الحیال شیرخان لودی
- ۶- مرآت العالم بختاورخان عالمگیری
- ۷- تذکره میرزا طاهر نصر آبادی اصفهانی

۱- یعنی مقامات مؤلف کمیته احسن آسیاء

۸- ریاض الشعراءى خان وائله داغستاني

۹- آتشکده آذر اصفهانی

۱۰- کلمات الشعراءى سرخوش

۱۱- خراجه عامره آزاد بلگرام

اما از متن کتاب معلوم میشود که مؤلف از کتابهای زیر نیز در تألیف آن

استفاده کرده است :

۱۲- رساله قافیه مولانا قاسم کاهی (رجوع شود به عنوان تحقیق مثنوی و

تعریف آن ص ۳)

۱۳- بدایع الافکار ملاحسین واعظ کاشفی (ایضا)

۱۴ تا ۱۸- مجمع الصنایع وهب قلم و دریای لطافت و مخزن العواید و

کشای الاصلاحات (ایضا)

۱۹- انوار سهیلی ملاحسین واعظ کاشفی (رجوع شود به عنوان مثنوی گوئی)

۲۰- شرح الشعراء (رجوع شود به رود کی و تحفة الاحرار جامی)

۲۱- سلم السهوات قاسم ایرانی (ایضا)

۲۲- کشف الظنون (رجوع شود به بحری گر گانی)

۲۳- حدایق البلاغت شمس الدین فقیر (رجوع شود به نظامی)

۲۴- مفتاح التواریخ (رجوع شود به دقیقی بحاری)

۲۵- تذکره تقی کاشفی (رجوع شود به نظامی گنجوی)

۲۶- فهرست اشپرنگر (ایضا)

۲۷- شرفنامه (ایضا)

۲۸- صولت فاروقی آشوب تورانی (ایضا)

۲۹- رساله عبدالواسع هاسوی (ایضا)

۳۰- نقایس المآثر (رجوع شود به قران السعدین خسرو)

۳۱- منتخب التواریخ بداوی (رجوع شود به مثنوی قاسم کاهی)

۳۲- آئین اکبری شیخ ابوالفضل (رجوع شود: به معرفی شیرازی)

۳۳- بوادر المصادر (رجوع شود به خفاف و ابوشعیب)

۳۴- لارس گرت میرت (رجوع شود به مثنوی در دوداغ مرزاغالدی دهلوی)

این کتاب قرار بود يك «اوج (مقدمه)» و هفت آسمان در مثنویهایی که در هفت بحر مثنوی سروده شده است و يك «افق» (خاتمه) داشته باشد ولی هنوز جريك «اوج» و يك «آسمان» که آسمان اول نام دارد بچاپ نرسیده بود که مؤلف آن ناگهان بدرود حیات گفت و شش آسمان و يك «افق» این کتاب دیگر چاپ نشد. مقدمه این کتاب که «اوج» نام دارد مشتمل است بر تحقیق مثنوی و تعریف آن و طرح مثنوی گوئی و شرح حال شعرای قدیم و دلیل که مثنوی گفته اند:

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| ۱- رود کی | ۲- ابوشکور بلخی |
| ۳- دقیقی بخاری | ۴- ملک الشعرای عنصری |
| ۵- اسدی طوسی | ۶- فردوسی طوسی |
| ۷- ناصر خسرو | ۸- اسعد گرگانی |
| ۹- قطران الاحلی | ۱۰- مسعود سعد سلمان |
| ۱۱- سنائی غزنوی | ۱۱- عمیق بخارائی |
| ۱۳- نظامی عروضی سمرقندی | ۱۴- فصیحی جرجانی |
| ۱۵- نظامی گنجوی | |

«آسمان اول» این کتاب مشتمل است بر شرح ۷۸ مثنوی زیر در «بحر سریع»:

- | | |
|------------------------------|---------------------------------|
| ۱- محرن الاسرار نظامی | ۲- مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی |
| ۳- قران السعیدین خسرو دهلوی | ۴- مثنوی حلال قراغانی |
| ۵- روضة الانوار خواجو کرمانی | ۶- موسی الارار عماد فقیه |
| ۷- گلشن ابرار محمد کاتبی | اقی نامه |
| ۹- تحفة الاحرار حامی | ۱۰- مثنوی کعبه حامی |

۱- Lawrence Gazette Meerut

- ۱۱- مثنوی آصفی هروی
 ۱۲- منظر الانصار قاضی سنجابی
 ۱۳- فتوح الحرمین محی لاری
 ۱۴- مظهر آثار امیر هاشمی کرمانی
 ۱۵- گوهر شهوار عبیدی جنابدی
 ۱۶- مشهد انوار غزالی مشهدی
 ۱۷- مرآت الصفات غزالی مشهدی
 ۱۸- نقش بدیع غزالی مشهدی
 ۱۹- قدرت آثار غزالی مشهدی
 ۲۰- منظور انظار رهائی هروی
 ۲۱ و ۲۲- دو مثنوی نویدی شیرازی
 ۲۳- مشاهد داعی شیرازی
 ۲۴- مثنوی قاسم کاهی
 ۲۵- مهر وفای سالم محمد بیگ
 ۲۶- مظهر الاسرار حکیم ابوالفتح دوانی
 ۲۷- جلد برین مولانا وحشی کرمانی
 ۲۸- مجمع الایکار عرفی شیرازی
 ۲۹- زبدة الافکار بیکی اصعبانی
 ۳۰- مرکر ادوار شیخ فیض فیاض
 ۳۱- مثنوی زاهد
 ۳۲- مثنوی میر معصوم
 ۳۳- مثنوی مولانا علی احمد نشانی
 ۳۴- تحفه میموبه محمد حسن دهلوی
 ۳۵- مثنوی شانی تکلو
 ۳۶- منبع الانهار ملک قمی
 ۳۷- دیده بیدار حکیم شعائی
 ۳۸- ریدة الأشعار قاسمی گابادی
 ۳۹- دولت بیدار ملاشیدا
 ۴۰- مثنوی شیخ بهاء الدین عاملی بهائی
 ۴۱- حسن گلو سوز رلالی حواساری
 ۴۲- مثنوی باقر کاشی خرد
 ۴۳- مثنوی قدسی مشهدی
 ۴۴- مثنوی سلیم محمد قلی
 ۴۵- مثنوی حکیم حادق گیلانی
 ۴۶- بارو بیاز حاتمی گیلانی
 ۴۷- مثنوی الهی سعد آبادی
 ۴۸- مثنوی ابراهیم ادهم صفوی
 ۴۹- مثنوی غافل محمد تقی
 ۵۰- مثنوی فدائی محمد بیگ
 ۵۱- مثنوی مولانا عیاض سرواری
 ۵۲- مظهر الانوار هاشمی بحاری
 ۵۳- مثنوی صفامحمد باقر نایینی
 ۵۴- مثنوی ملا صبحی بیرم بیگ
 ۵۵- مثنوی ملا محمد شریف
 ۵۶- مثنوی فایر میرزا علاء الدین محمد
 ۵۷- مثنوی طاهر وحید
 ۵۸- مثنوی والبی قمی
 ۵۹- مثنوی درویش حسین واله هروی

- ۶۰- مثنوی سنجر کاشی میر محمد هاشم ۶۱- مثنوی میرزا فصیحی هروی
- ۶۲- مطلع الانوار میر باقر داماد ۶۳- مثنوی میرزا جلال اسیر شهرستانی
اشراق اصفهانی
- ۶۴- مثنوی میر یحیی کاشی ۶۵- مثنوی اشرف مازندرانی
- ۶۶- مثنوی حقایق ۶۷- مثنوی ابوشعیب
- ۶۸- مثنوی صادق تهرشی ۶۹- مثنوی لایق میر محمد مراد
- ۷۰- مطلع الانظار شیخ محمد علی ۷۱- مثنوی حکیم میرزا حبیب اله شیرازی
حرین اصفهانی متخلص به قافی
- ۷۲- مثنوی دردوداع اسداله خان غالب ۷۳- مثنوی رنگبوی غالب دهلوی
- ۷۴- مثنوی یک ورقه غالب دهلوی ۷۵- مثنوی دیگر یک ورقه غالب
- ۷۶- مثنوی تاج سخن مولوی محمد عبدالرؤف وحید
- ۷۷- مثنوی مشرق الانوار مولوی عبدالرحیم گور کپوری متخلص به تمنا و
معروف به دهری
- ۷۸- مثنوی چاره بیمار انوالعاصم عبدالحلیم متخلص به عاصم
در آخر کتاب ذکر چند «بسم الله گویان» را آورده است
- مؤلف در ردیل بحث در باره هر مثنوی اول شرح حال مختصری از گوینده
آن آورده است و سپس بحث مختصری در باره هر مثنوی آورده و بعضی اشعار آن را
نقل کرده است .
- گاهی تنها یک سطر در شرح حال شاعر و یک بیت بطور شاهد و نمونه
مثنوی وی نقل کرده است مثلاً رجوع شود به مثنوی حقایق (ص ۱۵۹)
- در موقع بحث در باره موضوعی عقاید تدکره نویسندگان و شعر او نویسندگان مختلف
را در باره آن موضوع آورده است و هر موقعیکه با آنها توافق نظر نداشته است عقیده خود را
هم ذکر نموده
- روپمرفته این تذکره معیبدی است و اگر شش آسمان دیگر هم با تمام و چا

میرسید این تذکره در موضوع مثنوی کتاب کاملی میشد چون تا بحال تنها دو کتاب در این موضوع تألیف شده است یکی میحانه عبدالنسی قزوینی است که در باره ساقی نامه‌ها است و دیگر خلاصه الکلام میرزا ابراهیم خان حلیل که در باره مثنوی گویان است ولی هر دو کتاب کلیه گویندگان انواع مثنوی را ذکر نموده است و بنا بر این «هفت آسمان» اگر با تمام میرسید در این موضوع بهترین و جامع‌ترین کتاب بود.

سک انشای مؤلف ساده و خالی ارتضع است

برای شرح حال مولف رجوع شود به شرح حال احمدعلی که اچ - بلوخمآن در مقدمه کتاب در «هفت آسمان» بر زبان انگلیسی آورده است و بیر رجوع شود به استوری.

چاپ

تذکره «هفت آسمان» در کلکته بسال ۱۸۷۳ م (= ۱۲۹۰ هـ) از طرف انجمن آسیائی بنگال باهتمام و مقدمه اچ - بلوخمآن چاپ شده است.

شمع انجمن

ابتدا

«ز لاف حمد و نعت اولی است بر خاک ادب خفن

سجودی می‌توان کردن درودی میتوان گفت

بر خوش دماغان نشه سخن صورت این معنی حلوه گراست که در برم کائنات دوق

که رتبه ثبات دارد حر چاشمی مائده سخن بیست و بر بهار آرایان گلش معنی را را این

سخن شکفته که در گلزار روزگار گلی که همیشه بهار بود غیر از حسن روز افروز

ف مستحسب به

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف نواب سید صدیق حسن خان و تخلص او نواب و کنیت وی ابوالطیب است، وی پسر اصغر سید اولاد حسا^۱ حسینی بخاری قزوچی فاضل معروف است که از شاگردان عبدالعزیز دهلوی و مرید سید احمد بریلوی بود و در «جهاد» سید احمد مر نور شرک داشت نواب صدیق روز یکشنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۲۴۸ هـ در محله شیخ پوره در شهر قنوح (بریلی) میان دو آب گگا و حما بدنیا آمد مادرش نجیب النساء اراهایی بریلی بود. سب نواب صدیق به سید حلال الدین بخاری «مخدوم حبابیان جهان گشت» (متوفی ۷۸۵ هـ) میرسد و او با امام رین العابدین بن امام حسین منتهی میشود و بنابراین اقوام او به سادات حسینی بخاری شهرت داشته اند. جد سید حلال الدین مر بور سید حلال گل سرخ در ۶۵۳ هـ از بحارا نهد آمد. نواب صدیق مذهب سنی و پیرو طریقه نقشبندی بود اما بدست کسی بیعت نکرده بود

نواب صدیق علوم متداوله رادر دهلوی و شهرهای دیگر برد چندتن از اساتید معروف عصر خود تحصیل نمود و برد مفتی محمد صدر الدین خان بهادر صدر الصدور متخلص به آررده دهلوی منطق و حکم و فقه و علم و ادب را فرا گرفته از وی سند اجاره فتوی گرفت و علوم شرعی و دینی ارقبیل تفسیر و حدیث و فقه سنت و اسماء رحال و احکام را برد قاصی حسین بن محسن انصاری قاصی حدیده تحصیل نموده از وی اجاره فتوی گرفت سپس سند دواوین اسلام ارقبیل معاحم و مسابین و صحاح و جوامع و امثال آنرا از مولانا شیخ محمد یعقوب دهلوی مهاجر منیم مکه برادر مولوی محمد اسحاق دهلوی کسب نموده و همچنین از شیخ مولوی عبدالحق بن فضل الله ساکن قصبه بیوتی ببرد اجاره بدست آورد سپس بقیه عمر را در مطالعه «اسفار و صحف کثیر» از هر موضوع گذرانید و مخصوصا کتب اهل حدیث وی را تحت تأثیر خود قرار داده و در نتیجه وی در مره «اهل حدیث» درآمد اما حرکت و سب از کسی دیگر پیروی

۱- ر ك اتحای السلا. اسم پدرش در منبع اجماع «حسن» و در تذکره علمای هند تالیف علی (ص ۲۴) «سید آل حسن» ذکر شده است

و تقلید نمی کرد.

نواب در تمام عمر پنج بار مسافرت کرد.

در مسافرت اول وی در طلب علم بندهلی و شهرهای دیگر رفت.

در مسافرت دوم وی در طلب معاش و روزی به بهوپال و تونک رفت. در تونک در نتیجه اصرار وزیر الدوله حاکم آنجا قریب بهشت ماه توقف نمود و سپس دوباره به بهوپال برگشت و آنجا نادحتر محمد جمال الدین خان صاحب بهادر مدارالمهام و نایب ریاست بهوپال ازدواج کرد و در ۱۲۷۵ هـ در همان شهر رحل اقامت افکند و ثمره این ازدواج یک دختر و دو پسر بود. در زمان اقامت در بهوپال گاهی تنها و گاهی باتفاق نواب سکندر بیگم و الیه بهوپال برای بازدید از شهرهای دیگر میرفت و دوباره به بهوپال برمی گشت. در زمان سکندر بیگم (متوفی ۱۲۸۵ هـ) وی در اداره اشاکار می کرد و بعداً متصدی اداره تألیف تاریخ بهوپال شد.

مسافرت سوم نواب صدیق در ۱۲۸۵ هـ صورت گرفت موقعی که وی برای حج و زیارت عتبات عالیة بحجاز رفت و وی یک هفته در حواریمر از رسول توقف نموده به مکه برگشت و سپس راه حدید (راه آهن) به بهوپال مراجعت نمود و طی این مسافرت کتب بسیار از علوم قرآن و حدیث مطالعه کرد و از بعضی کتب مسجده برداری و بعضی دیگر را خریداری نموده به بهوپال آورد و به کتابخانه شخصی خود اضافه نمود. بعد از مراجعت به بهوپال مدتی اهتمام (و انتظام امور) و مدارس ریاست مزبور را بعهده داشت در زمان شاهجهان بیگم و الیه بهوپال (که بعد از فوت سکندر بیگم در ۱۲۸۵ هـ امور را بدست گرفت) نواب صدیق اول رئیس فرهنگ و سپس میرمشی یا امیرالاشاهد و از طرف بیگم العالی میردبیر و حاکم نوبی اعطاسد در ۱۲۸۸ هـ (بعد از فوت زن اول) نواب با بیگم ازدواج کرد آیه «واحرى تحونها» بتعمیه یک عدد تاریخ این ازدواج را میرساند در نتیجه این ازدواج اقطاع هفتاد و پنج هزار روپیه سالیانه ۱- ریاست مخصوصاً در زمان انگلیسها مایاتی میگفتند که استقلال داخلی داشته است اما در سیاست خارجی یا سیاست انگلیسها بود

از مجال تریلی که واسته ریاست بهوپال بوده نواب صدیق پرداخت میشد و او بسمت وزیر دوم بیگم بالقب معتمدالمهام منصوب شد. در سال دیگر بیگم این اداره را منحل کرد و نواب صدیق را لقب نواب والاحاء و امیر الممالک عطا کرد. همچنین نواب نشان مجیدی درجه ثابیه را از طرف سلطان عبدالحمید عثمانی ببرد یافت نمود.

مسافرت چهارم نواب در سال ۱۲۸۹ هـ صورت گرفت چون او باتفاق نواب شاهجهان بیگم به بمبئی رفت و آنجا در دینار تروک^۲ گورنر جنرل و وایسرای هندوستان^۳ از طرف ملکه و کتوریه نواب شاهجهان بیگم را مدال بیتی درجه یک با خلعت مساحت انگلستان و علم عالی درجه و لقب گراندر کماندر استار آف انڈیا^۴ ناسند لقب موشح بامضای ملکه و وزیر اعظم انگلستان و لشر رئیس دلاور اعظم طبقه اعلای ستاره هند اعطا کرد در این مسافرت نواب صدیق در شهرهای دیگر مانند گجرات و سورت و احمدآباد و بیدر بیر سیاحت کرد.

مسافرت پنجم نواب صدیق در سال ۱۲۹۱ هـ صورت گرفت موقعی که وی باتفاق شاهجهان بیگم به کلکته رفت و این مسافرت مدت دو ماه و چهار روز طول کشید. در این مسافرت نواب صدیق نامیر تراب علیخان سر سالار جنگ بهادر وزیر ریاست حیدرآباد رکن و نواب امیر علیخان بهادر وزیر السلطان و چند تن دیگر از معاریف و واعظم کشور ملاقات کرد و همچنین با گورنر جنرل و پیرس آف ویلر شاهزاده انگلستان مکرر ملاقات کرد و از بناها و بناها و حیوانات و نهرهای معروف آن ناحیه دیدن کرد، صفا در راه نواب صدیق یک هفته در بنارس و اله آباد و کانپور توقف نمود و بعد از بازدید از اهالی و باعهای آنجا به بهوپال مراجعت کرد و برای بقیه عمر هماچا

۲- Lord Northbrooke فرمانروای کل هندوستان (۱۸۷۲-۱۸۷۶ م مطابق

۱۲۸۹-۱۲۹۳ هجری)

۳- گورنر جنرل بمبئی فرمانروای کل کسی بود که از طرف پادشاه یا ملکه انگلستان بر

هندوستان حکومت میکرد و او را وایسرای (نایب السلطنه) هم میگفتند

۴- Grand Commander Star of India

اقامت داشت .

بتدریج نواب صدیق اکثر اختیارات حکومت را بدست خود در آورد تا اینکه در سال ۱۸۸۵م = ۱۳۰۳هـ حکومت هند (انگلیسی) وی را از آن مقام معزول نمود و از کلیه القابش محروم کرد.

در مطبوعات آن وقت از جمله علل معزولی وی جسرت و تعدی و سوء اداره و بد نظامی دگر شده اسباب برای مخالفت و انتقاد از رفتار وی علل دیگر هم وجود داشت ما بند عقیده «وهابیت» نواب و عدم وفاداری وی بحکومت انگلیسی هند باید اذعان کرد که نواب از اهل حدیث بود (که اشتباهاً آنها را «وهابی» می گویند) اهل حدیث مسئله تعلیم را قبول ندارند و در مسایل دینی خیلی تعصب و حرج می دهند

و ان دایک در کتاب خود نواب صدیق را سادات نقاد گرفته است اما ایرادات و اعتراضات وی می بر صحت و حقیقت نیست .

نواب صدیق در شب پنجشنبه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۰۷هـ در بهوپال فوت کرد و همانجا دفن شد

آثار مؤلف

آثار نواب صدیق بر زبان عربی و فارسی وارد و بسیار است و در «مآثر صدیقی» مشتمل بر شرح حال و آثار نواب صدیق تألیف نواب سید علی حسن خان سرارشد او در قسمت ۴ صمیمه فهرست ۲۲۲ کتاب (۷۴ عربی و ۴۵ فارسی و ۱۰۳ پارسی) آمده است اما از آن جمله ۲۵ کتاب هنوز بطبع نرسیده و بقیه در هند و مصر و ترکیه چاپ

۱- Bibliography Ed-Van Dyke

- ۲- سلطان جهان بیگم تاریخ فوت نواب صدیق را ۲ ج (= ۲۲۲ هجریه) نوشته است که اشتباه است چون وی در ۲۰ هجریه ۱۸۹۰م (= ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۰۷هـ) فوت کرده است. در تذکره علمای هند تألیف رحمن علی شب پنجشنبه جمادی الثانی ۱۳۰۷هـ آمده است و طاهرا آغا تاریخ ۲۹ از قلم افشاده است

آنارمهم نواب صدیق بقرار زیر است

۱- تفسیر فتح اله ان فی مقاصد القرآن در چهار مجلد که نواب صدیق در مدت هشت سال بدون کمک و دستیاری دیگری تألیف کرد

۲- اکسیر فی اصول التفسیر- اسم این کتاب تاریخی است و سال تألیف کتاب (۱۲۸۹ هـ) رامیرساند اما در مقدمه این کتاب ۱۲۹۰ هـ بطور سال جاری ذکر شده است اساس این کتاب بر «کشف الظنون» حاجی خلیفه و «فورا الکبیر» ولی الله دهلوی است و مؤلف حواسته است این کتاب مقدمه ای بر تفسیر عربی سابق الذکری باشد چاپ در کابور در ۹۱-۱۲۹۰ هـ.

۳- مسک الحتام فی شرح بلوغ المرام - در دو جلد - در مدت شش ماه تألیف کرد.

۴- افادت الشیوخ بمقدار الناسخ و المنسوخ - در ۱۲۸۶ هـ تألیف کرد . چاپ در کابور در ۹-۱۲۸۸ هـ در لاهور در ۱۹۰۰ م (۱۳۱۸ هـ)
۵- شمع احسن - تذکره مورد بحث

تصیره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۹۲ هـ تألیف نموده است در پایان کتاب قطعه ای ارسوهن لال مشی آمده است که بستریر آن سال تألیف این کتاب را میرساند.
چه خوش گفته است سوهن لال تاریخ که «شمع احسن شمع دل افروز»
(= ۱۲۹۲ هـ)

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه این کتاب چنین توضیح داده است «درین بردیکی که طبع اندوه آرمیده و خاطر درد گریده نظر بر تدکرمهای شعرای فارس داشت و مگنگش بهار سحبهای موزون خاطر ان می برد احب حواستم که از این ستان سراهای فرح افرا عهد را گلدسته چند بر چند بر حیم تا اگر صاحبی دیگر راهم گذر اوقات بر سر این حدیقه رعنا و روصد عناقند و رمایی خاطر افسرده را بسیر جوان سررنگه این گلرمین بشگند نین رهگذر بر اوزاق دو اوین شعر چند نقطه

انتخاب ردم و رخسار شاهنمجن را بحال و خط اصلاح آراستم».

مؤلف اسم مأخذ کتاب را در مقدمه یا خاتمه نیاورده است اما در دلیل شرح حال شعر اسم کتابهای زیر را آورده است که از آن در تألیف این کتاب استفاده کرده است

- ۱- یدیضا (رجوع شود به نام عرفی) ۲- نتایج الافکار (رجوع شود به نام قدرت)
 - ۳- ریاض الشعر (رجوع شود به نام عرفی) ۴- مجمع العایس (رجوع شود به نام عرفی)
 - ۵- خزانه عامره (رجوع شود به نام متین) ۶- ثمرات القدس (رجوع شود به نام عبدس-
- القادر نداونی)

- ۷- منتحب التواریح (رجوع شود به نام فیص) ۸- تذکره حسینی (رجوع شود به نام حریر)
 - ۹- نغمات الانس (رجوع شود به نام قاسم انوار) ۱۰- شاهجهان نامر حوع شود به نام قدسی)
 - ۱۱- مرآت الحیال (رجوع شود به نام قدسی) ۱۲- تذکره آدر (رجوع شود به نام آذر)
- اما باید توجه داشت که شرح حال و آثار شعرای معاصر را مؤلف از خود شعرا گرفته است و در این حیث این کتاب دارای اهمیت بسیار میباشد

این تذکره مشتمل بر ۹۷،۱ شاعر متقدم و متأخر و معاصر مؤلف بترتیب العبا از روی حرف اول تحلیص یا اسم شاعر و بنا «ابوری» شروع شده با «یوسف (مولوی ابوالحامد محمد یوسف علی)» تمام میشود مقدمه کتاب که مشتملست بر بیست صفحه غالباً حاوی مطالب غیر ضروری و عبارات آرائی است که اگر این مطالب را از کتاب حذف میکردند هیچ صدمه‌ای بخود کتاب نمیرسید. در این مقدمه مؤلف از این اثر و دیگران نقل کرده است که اول کسیکه شعر قاری سرود حضرت آدم بود (۱) و در باره این موضوع مؤلف عقاید دیگران را ایراد کتابهای مختلف نقل کرده است همچنین در باره اول کسیکه بر زبان فارسی شعر سرود و هم چنین در باره بعضی موضوعهای دیگر بحث کرده است

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را حیلی محصر آورده است تنها در دلیل نام قریب به دویست شاعر اشعار و شرح حال آنها را مفصل نقل کرده است مانند ابوری و آذری و آصف و امید و اقدس و غیره

در ذیل نام شعرای دیر تنها اشعارشان را سببه معصل آورده است: اهلی شیرازی، اشرف، آفرین لاهوری، ایحاده، افتخار، احمدخان، اعجاز، افضل کاشانی، انشا، بساطی، ترکمان، حسامی، حزنی، حالتی، حقیری، دوالمقار، رفعت، شوقی، سریف، شاپور تهرانی، عمر حیام، عرت، عرشی، عزیز، فوحی، فطرت، قیاض، قادر، قاسم دیوانه، کشفی، ماهر، میلی، مطهرخان، مشرقی، مومن استرآبادی، مومن دهلوی، ناصر (نواب ناصر جنگ)، نصرت سیالکوٹی، وحشی دولت آبادی، ولی دشت بیاضی، واعظ قروینی، حیدر قروینی، وحید، هلاکی، همایون پادشاه و یمینی.

رویه مرفته اشعار حافظ (در ۴ ص) و آزاد بلگرامی (در ۱۴ ص) و ناطق (در ۵ ص) و غالب دهلوی رادر (۸ ص) معصل تر از سایرین آورده است
همچنین شرح حال خود رادر (۶ ص) معصل تر از سایرین نوشته است

در ذیل نام واله مؤلف بر موضوع «عشق» بحث مسوطی آورده است و نسخه هائی برای معالجه و همچنین تعریف آن از «صحاح» و ماهیت و چگونگی و معالجه آن را از شیخ الرئیس و ابواسحق ابراهیم بن تمیم قیروانی آورده و همچنین اشعاری از شعرای عربی و بحث عشق از گلستان سعدی باب پنجم و غیره رادر باره موضوع عشق نقل کرده است که تمام این مطالب خارج از موضوع کتاب است و هیچ اطلاعی راجع بر بدگامی واله صاحب ترجمه ندست نمیدهد

مؤلف در این کتاب شرح حال و آثار بعضی شعرای معاصر را آورده است که قبل از او در هیچ کتاب نیامده و چون این اشعار و شرح حال شعرا را وی از خودشان گرفته است بنا بر این قابل اعتبار و اعتماد میباشد و چنین این حقیقت را میسر است که هنوز در سه قاره هندو پاكستان تعداد زیادی از شعرا وجود داشتند که به فارسی شعر میسروده اند و اسامی و آثار مختصر آنان در این تذکره صبط شده است اما بحای جمع آوری اشعار و شرح حال شعرای متقدم که مؤلف بعضی از آنان را در این کتاب آورده است بهتر بود اگر اشعار و شرح حال شعرای معاصر معصل تر میآورد چون در آن صورت اهمیت

این کتاب از حیث اصالت مطالب بیشتر می‌شود

همچنین این تذکره این حقیقت را روشن می‌سازد که هوردرشه قاره هندوستان امرای و نوایابی بودند که نه تنها ادب و شعرای فارسی را تشویق می‌کردند بلکه خودشان هم بفارسی شعر می‌سرودند و بدین زبان کتابهایی می‌نوشتند و بدین ترتیب خدمات گرانبهایی بر زبان و ادبیات فارسی انجام داده شمع این زبان را در آن سرزمین فروزان نگهداشتند.

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و در موارد بسیار شرمسحیح بکار برده است. در ابتدای شرح حال بعضی شعرها چند لقب توصیفی را بشرمسحیح آورده است
مثلاً

در ردیف نام «ظہیر فاریابی» می‌نویسد «سلسله فصحای متقدمین و نقاود سحر آفرین است»

در ردیف نام «طعری مشهدی» می‌نویسد «طعری منشور استعداد است و فروع پیشانی قابلیت حداد» گاهی برای «قوت شد» جمله‌ای مصنوع آورده است مثلاً
در ردیف نام بی‌حرف و فقیر می‌نویسد «سراسرستان قدس حرامید».

همچنین گاهی برای «ایک اسعار او» جمله‌ای مصنوع آورده است مثلاً

در ردیف نام «بی‌حرف بلگرامی» می‌نویسد «سافر عرفان چنین می‌گرداند»

« قدرت » « نقش سخن بر صفحه فکر چنین میکشد»

سالها را غالباً بالعاط عربی آورده است. همچنین کلمات عربی را به فارسی بکار

برده است و حتی گاهی در این منظور تعدد و اصرار ورزیده است

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به آثار مؤلف ماسد اتحاف السلا

ص ۲۶۳-۷ و اکسیر ص ۱۱۴ و ترجمان و هایت (اردو) و تاح الاقبال و تذکره شمع انجم

و غیره و صبح گلشن و روز روشن و نگارستان سخن و تذکره علمای هند تألیف رحمن علی

ص ۹۴ و پرو کلمان ح ۲ ص ۵۰۳ و شرح زندگی من (An Account of My Life)

نگارستان سخن

ابتداء

بسمه مصحف ایمان و فائحه قرآن ایقان حمد متکلمیست که گوهر غلطان سخن را بحکمت ناپعه خود برشته نظم دلاویر کشیده و احجار العاطم منثور را در میران کده طابع شعرا سحرانگیر لیت شمع بحشیده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف - سید نورالحسن خان و القاب و کنیت وی و اب رصی الدوله نظام الملک سید ابوالخیر است که اول طیب تحصیل داشت و بعد تحصیل نور را اختیار نمود . او پسر ارشد نواب صدیق حسن خان از بطن زن اول نواب مر نور است که دختر کمال الدین خان دهلوی بحسب وریر بهویال بود وی روز چهارشنبه ۲۱ رحب ۱۲۷۸ هـ بدتیا آمد و اسم تاریخی او «نظیر حسن» است که از روی احمد سال تولد وی رامیر ساند . وی از طرف یندر سید حسینی و از طرف مادر شیخ صدیقی بوده . سن پنج سالگی بخواندن قرآن و کتب متداوله فارسی پرداخت در اول کتب علوم متداوله مانند صرف و نحو شافیه و کافیه را برد مفتی ریاست بهویال مولوی محمد ایوب و محنصرات منطق قال اقول و ایساعوحی را برد مولوی ابورعلی صدر (رئیس) مدارس سلیمانیه بهویال و صعری و کبری و شرح تهذیب و شرح جامی را پیش مولوی الهی بحش فیض آبادی استاد مدرسه سلیمانیه بهویال مؤلف رحمه شاهجهانی خواند .

در موقع تألیف «نگارستان سخن» مشغول خواندن دواوین و قرآن و کتب سنت از قبیل جلالین و مشکوٰۃ و سن ترمذی و مختصر معانی و غیره برد مولوی محمد بشیر سهوانی مدرس استان خاص حضرت شاهجهانی و مولوی محمد بشیر الدین قنوحی قاصی بهویال بوده در ذوالقعدہ ۱۲۹۳ هـ باتفاق پدر و نامادری خود نواب

شاهجهان بیگم والیه (حاکم) بهوپال در دربار ملکه و کتوریه بدلهلی رفت.
وی بفارسی وارد و هر دو شعر میسرود در فارسی طیب و نور و در اردو کلیم تخلص
داشت

مؤلف در بین سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ هـ فوت کرده است چون در فهرست آصفیه
ج ۱ چاپ ۱۳۳۲ هـ وی بطور «زنده» یاد شده اما در آثار صدیقی ح ۲ ص ۴۹ چاپ ۱۳۴۲ هـ
کلمه «مرحوم» با اسم وی اضافه شده است.

آثار مؤلف^۱

- ۱- نگارستان سخن تذکره مورد بحث .
- ۲- طور کلیم - تذکره شعرای ریخته (اردو) بریان فارسی تألیف ۱۲۹۵ هـ در
جواب «گلشن بینخار» شیفته دهلوی
- ۳- شرح نامتن بر مرقعات مولوی فضل امام حیرآبادی
- ۴- عرف الیجادی من هدی الیجادی چاپ بهوپال ۱۲۹۶ هـ فارسی در فقه
حسبی است .
- ۵- النهج المقبول من شرایع الرسول - در فقه حسبی فارسی است - چاپ
۱۲۹۶ م .

تبصره بر کتاب .

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۹۲ هـ = ۱۸۷۵ میلادی تألیف کرده است در آخر
کتاب چند قطعه آورده است که بعضی از آنها سال تألیف و بعضی دیگر سال طبع کتاب را
میرساند از آن جمله ۵ قطعه سال تألیف کتاب را میرساند. اینها یکی از آنها
حال و قال سخنوران جهان نظر از لطیف شد .۱-
گفت بوز الحس چه خوش تاریخ ناع دلجست معنی زید (= ۱۲۹۲ هـ).

۱- برای آثار عربی مؤلف رجوع شود به استوری ح ۱ ص ۹۱۳-۹۱۴

همچنین قطعه‌ای سال تألیف را بسنه میلادی (۱۸۷۵ م) و دو قطعه سال طبع کتاب را بسنه هجری (۱۲۹۳ ه) و قطعه‌ای دیگر بسنه میلادی (۱۸۷۶ م) میرساند در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه و خاتمه کتاب چنین توضیح داده است که جمعی از شعرای معاصر از دها که و سنگاله و غیره نتایج افکار خود را از بلاد دوردست برای « تذکره شمع احسن » تألیف نواب صدیق حسن خان (پدر مؤلف) که در ۱۲۹۳ ه طبع رسیده فرستاده بودند اما بنا بر مسافرت دهلی بماسب دربار ملکه و کتوریه فرصت چاپ آن در تذکره مر بور دست نداد و بنا بر این مؤلف شرح حال و اشعار شعرای مر بور را در تذکره خود ضمیمه کرده و عده دیگر از متاخرین را هم در آن اضافه نموده و بصورت تذکره جداگانه‌ای ترتیب داد.

نظر بتوضیح فوق این تذکره را میتوان « تکلمه صح گلشن » حساب کرد. مؤلف اسم کتابهای زیر را در خاتمه کتاب آورده است که در تألیف این تذکره مورد استفاده وی قرار گرفته است .

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------|
| ۱ - لب اللباب (لباب الالباب) عوفی | ۲ - تذکره سامی |
| ۳ - تذکره دولت‌شاه | ۴ - خلاصه الأشعار - نعی کاشی |
| ۵ - همت اقلم | ۶ - خاتمه منتخب التواریخ |
| ۷ - مجمع الفصلا - ملا بقائی | ۸ - تذکره نصر آبادی |
| ۹ - مرآت الحیال | ۱۰ - کلمات الشعرا |
| ۱۱ - همیشه بهار | ۱۲ - حیات الشعرا - متین کشمیری |
| ۱۳ - سقیه بی حیر | ۱۴ - ریاض الشعرا |
| ۱۵ - مجمع العایس | ۱۶ - تذکره حرین |
| ۱۷ - تذکره بینظیر | ۱۸ - مردم دیده |
| ۱۹ - ید بیضا | ۲۰ - سرو آزاد |
| ۲۱ - خراته عامره | ۲۲ - نتائج الافکار گویا موی |
| ۲۳ - شتر عم | ۲۴ - نغایس المآثر |

- ۲۵ - صحیح صادق
 ۲۶ - تذکرہ ناظم تبریزی
 ۲۷ - بہارستان عبدالرزاق
 ۲۸ - گل رعنا
 ۲۹ - شام عربیان شعیق اورنگ آبادی
 ۳۰ - قند پارسی
 ۳۱ - گلستان مسرت
 ۳۲ - بیاض دستخط (حنگی نامضای) حاص
 میرآراد بلگرامی .

این تذکرہ مشتمل بر ۶۵۱ شاعر متأخر و معاصر مؤلف بترتیب الفبا از روی حرو و اول اسم یا تحلیص شاعر اما ذکر بعضی از متقدمین مانند ابوعلی سینا را ہم شامل ہے۔ این تذکرہ نا «آراد حہانگیر نگری» شروع شدہ با «یوسف لکھوی مولوی محمد یوسف علی» تمام میشود

حالیست کہ از متقدمین ذکر کسا بیکہ بشعر معروف بودند مانند سعدی و حافظ و غیرہ را بیاوردہ و بعضی مانند ابوعلی سینا را کہ بشعر معروف نبودند ذکر کردہ است۔ در آخر کتاب تحت عنوان «ذیل حاتمہ نگارستان سخن» بعضی اشعاریکہ در آن بعلت «اشترک العاط و مصامین و اتحاد مبانی و معانی» توارد واقع شدہ آورده و پس تحت چہارده «فایده» بعضی کلمات را کہ در بعضی اشعار آمدہ است شرح دادہ است۔

این تذکرہ مختصریست مشتمل بر ۲۱۱ صفحہ و در ذیل اکثر شعرا فقط جملہ ای برای معرفی آنها و دوسہ بیت از اشعارشان را آورده است
 اشعار و شرح حال شعرائی زیر را سہ معصل آورده است آزاد حہانگیر نگری
 واسیر لکھوی و اسرف و امداد و امیر و توفیق و رافت و رویت و رمہری و سید گوالیاری
 و ساحمہاں بیگم و طغر متخلص بہ اورنگ و عیدی و عدزی و علام مصطفی و فصیح و
 فوروقا آبی و میر شکوہ آبادی و بشائی و نواب (حامد علیحان و الی ریاس رامپور)
 و نواب (صدیق حس خان) و نور (مؤلف) و بیاری و یردانی و یوسفی و یوسف (مولوی
 محمد یوسف علی)

اشعار شعرائی زیر را معصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است .

ابوسعید ابوالخیر وملا باقر وثاقب (مهاراجه گوپال سنگه) وسلطان ومحمود
مهری (سیدعلی) ونویدی.

همچنین دردیلم نام خاور ومرتضی شرح حالشان را مفصل اما ار خاورسه بیت
واز میر مرتضی تنها يك بیت آورده است .

رویه مرفته اشعارمولوی محمد یوسف (در ۶۱/۱) ومهری سیدعلی (در ۶ص)
را مفصل تر ادرسایرین آورده است بعضی قطعه های تهنیت وغیره وقصیده هاوخاتمه
الطبع بنظم وشروتاریخ طبع کتاب ارشعرا ومشیان دربار بهوپال در آخر کتاب ضمیمه
ده که قسمت قابل ملاحظه این کتاب (۲۶ص) را تشکیل میدهد

سنگ اشای مؤلف عالماً مصوع است وزی در سیاری ارموارد شرمسحع بکار

برده است

تذکر

این کتاب حتماً تألیف سیدنور الحسن حان بیست چون در موقع تألیف این
کتاب سن وی هنوز ار چهارده پانزده سال تجاوز نکرده بود واصلاً نمیتوان باور کرد
که يك پسر چهارده پانزده ساله ای بتواند کتابی مانند نگارستان سخن را با این شرمصنوع
وفعی بویسد وحتماً يك کسی ارملارمان دربار بواب صدیق حسن خان پدر مؤلف این
کتاب را تألیف نموده ونام این «بواب راده» سست داده است (بیررحوع شود به پایان
بحث در باره «صبح گلشن» درسطور دیلم)

چاپ

بهوپال مطبع شاهجانبانی / ۱۲۹۳ / ۱۸۷۶م

برای شرح حار مؤلفه رحوع شود به نگارستان سخن وصبح گلشن واستوری

ح ۱ ص ۱۴-۹۱۳

فهرست اسامی شعرا

رحوع شود به جانب بهوپال ۱۲۹۳ هـ

صبح گلشن

ابتدا

شمشیر زبان جوهر بیان می نماید و شتر قلم رنگ معنی میگشاید .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف سید محمد علی حس حان و القاب و کنیت وی نواب صفی الدوله حسام الملک سید ابوالنصر و تحلیص وی سلیم اسب وی پسر کوچک نواب سید صدیق حسن خان اربطن در اول او دختر محمد جمال الدین خان دهلوی بحسب توری پر بهوپال بوده و در چهارشنبه ۴ ربیع الاخر ۱۲۸۳ هـ بدینا آمد و بسن پنج سالگی بمکتب (دستان) رفت و در دو سال قرائت قرآن را تمام کرده و سپس بقرا گرفتن زبان فارسی مشغول گشت و کتب متداوله صرف و نحو و غیره را پیش مولوی محمد حسن بلگرامی خواند و هنوز دوازده سال بیش نبود که این تذکره را تألیف نمود .
وی مدتی رئیس افتخاری اداره فرهنگ بهوپال بود .

آثار مؤلف

- ۱- صبح گلشن - تذکره مورد بحث
- ۲- السان المرصوص من بیان ایحار الفقه المنصوص - در فقه حنفی به فارسی . چاپ ۱۲۹۹ هـ (رجوع شود به آصغیه ح ۳ ص ۴۴۴)
- ۳- حرم گل - دیوان فارسی .
- ۴- نامه دل - دیوان اردو .

۵- مآثر صدیقی - شرح حال مفصل نواب صدیق حسن خان اردو - چاپ لکهنو ۱۳۴۲ هـ .

۶- برم سخن - تذکره شعرای اردو - چاپ ۱۲۹۷ هـ (شرح حال شعرا ابرمان فارسی نوشته است)

۷- مواردالمصادر - بهرمایش شاهجهان بیگم بعد از فوت نواب صدیق حسن تألیف گردید .

همچنین آمار ریادی بران اردو دارد ماسد فطرت الاسلام و سیره الاسلام وانتظام حابه دری وعیره که فهرست آن بر صفحه آخر مآثر صدیقی در کرده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در عره دو القعه ۱۲۹۴ آغار و در آحر ماه جمادی - الاول ۱۲۹۵ هـ با تمام رسائیده است در پایان کتاب «قطعه تاریخ» دلیل از مولوی محمد یوسف علی آمده است که سال آغار تألیف این را میرساند

از دکاء علی حسن دم رد	صبح گلشن بگلشن عالم
سال تویر مطلع این صبح	«دلرور سحنوران» گفتم
	(= ۱۲۹۴ هـ)

همچنین در پایان کتاب چند «قطعه تاریخ» دیگر از شعرای مختلف آمده است که سال پایان تألیف این را میرساند از آن جمله قطعه زیر از سرفراز علی وصعی الادیادی است

چون رکلك امیر ابن امیر	یافت این تذکره حدید ارقام
گفت تاریخ وصعی خوشفکر	« یادگار سحنوران انام »
	(= ۱۲۹۵ هـ)

مؤلف در مقدمه این کتاب شتر سیار مصنوع و مشیانه سب تألیف را چنین توصیح داده است که چون مدرش صدیق حسن خان تذکره ای نام شمع احمن تألیف

کرد بقیه شعرائی که ذکرشان در آن تذکره نبود «بجوش آمدند و حسرت فروشان درخروش» تا اینکه برادر بزرگ مؤلف و پسر ارشد نواب صدیق حسن خان تکلمه‌ای بنام «نگارستان سخن» نوشت و بعضی شعرا را که اسامی آنها در شمع انجمن افتاده بود ضمیمه کرد اما هنوز عده زیادی از شعرا که در هر دو تذکره فوق یاد نشده بودند میخواستند تذکره دیگر ترتیب داده شود تا از آنها هم در آن تذکره یاد شود. بالاخره مؤلف بترتیب این تذکره کمر همت بست و شرح حال شعرا و اشعارشان را وارد این تذکره کرد اما در این تذکره بعضی شعرائی که در شمع انجمن و نگارستان سخن مذکورند نیز تکرار شده و علت آن را مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است که این تکرار برای ایست که آنها را مؤلف «حوش آوازتر» یافته است.

مؤلف در دیباچه کتاب اسم تذکره‌های زیر را آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استعاده کرده است

۱- آفتاب عالمتاب

۲- شتر عشق حسین علیحان عاشقی عظیم آبادی

اما در این کتاب بسیاری از مطالب را ارتد کرده‌های زیر نقل کرده است.

۱- شمع انجمن - نواب صدیق حسن خان (پدر مؤلف)

۲- نگارستان سخن (سید نورالحسن خان) (برادر مؤلف).

اصلاً این کتاب تکمله شمع انجمن و نگارستان سخن میباشد.

در این کتاب فهرست اسامی شعرا هیچ‌جا نیامده است اما عده شعرای مذکور

بقرار زیر است :

الف = ۱۶۰ ب = ۷۹ پ = ۵ ت = ۵۱ ث = ۹ ح = ۳۵ ح = ۶۹ ح = ۴۹

د = ۱۸ د = ۵ ر = ۶۱ ر = ۱۸ س = ۷۷ ش = ۴۸ ص = ۵۲ ص = ۹ ط = ۱۷ ط = ۶

ع = ۱۱۷ ع = ۱۵ ف = ۶۴ ق = ۳۲ ک = ۲۲ ل = ۳۳ م = ۴۶۰ ن = ۲۱۲ و = ۹۷

ه = ۴۱ ی = ۳۹ کل = ۲۰۲۴ تن شاعر

این تذکره مشتملست بر ۲۰۲۴ تن شاعر بترتیب الفبا از روی

حرف اول تخلص یا اسم شاعر از شعرای متقدم و متوسط و متأخر که اکثرشان شعرای متأخر میباشند

این تذکره یاد آثار مشهور بملا آثار شروع شده با «یوسف - مولوی محمد یوسف علی گویاموی» تمام میشود

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرارا حیلی مختصر آورده است و اکثر شعرارا در دو سه جمله معرفی و از آنها دو سه بیت یا یک رباعی نقل کرده است .

شرح حال شعرای زیر را مفصل آورده است : احسن مولوی محمد احسن و رفعت محمد عباس و شهیر حافظ محمد حان و کلیم نور الحسن خان و نوش مشی کنج منوهر لال (هر کدام در یکص) و حسرتی نواب محمد مصطفی حان و سلیم علی حسن خان (مؤلف) و مسیح رکن الدین کاشی و یوسف مولوی محمد یوسف (هر کدام در ۱/۴ ص) و شاعر جهان بیگم و ممتاز الدوله سید عبدالحی حان (هر کدام در ۲ص) و نواب صدیق حسن خان (در ۴ص)

زویهمرفته شرح حال نواب صدیق حسن حان را از سایرین مفصل تر آورده است .
بدارالقرار شتاف

همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل آورده است برق (در ۲ ص) و قصاب و سعید (۲/۴ ص) و نواب صدیق حسن حان (در ۳ص) و منیر محمد صیبا (در ۴ص) و نوش مشی کنج منوهر لال (در ۴ص) و شهیر حافظ حان محمد خان (در ۷ص) و حسرتی (در ۱۰ ص) زویهمرفته اشعار حسرتی را از همه مفصل تر آورده است

در ردیل نام نواب صدیق حسن خان پنج بیت رباعی عربی از او آورده است
در ردیل نام فارغ فداعلی نمونه نثر او را هم آورده است

سبک انشای مؤلف بسیار مصوع است و غالب مطالب را شرمسح آورده است
سائهارا بالعاط عربی ذکر کرده است

عالمی حمله ای مصوع در معنی «فوت شده» آورده است چنانکه .

در ردیل نام اصف میویسد در سه خمسه و تسعین و مایه و الف این خاکدان

را گذاشت

در ذیل نام وحشت مینویسد: در سنه بضع و اربعین و مایه و الف از این وحشتکده
بمدار القرار شتافت.

روی هم رفته این تذکره ارحیتش ایکه ذکر بسیاری از شعرای معاصر را که در کرشان
در تذکره های دیگر قیامده شاملست دارای اهمیت میباشد اما چون مؤلف اکثر
مطالب را بشر مسجع آورده است بنا بر این در ذیل اکثر شعرای شرح حالشان را مفصل
نیآورده چون نوشتن آن زحمتی در برداشت و تنها شرح حال نواب صدیق و شاه جهان
بیگم و نور الحسن کلیم و مولوی محمد یوسف که ترتیب پدر و نامادری و برادر و استاد
مؤلف بوده و همچنین شرح حال چند نفر دیگر که از آشنایان نزدیک مؤلف بودند
مفصل آورده است چون رحمت نوشتن شرح مصوع بلکه مسجع در مورد این اشخاص
میارزید.

تذکره

اما در مورد اینکه «صح گلشن» از تألیفات سید محمد حسن خان نسیب
تردید و شکی وجود ندارد چون نمیتوان باور کرد که یک پسر ۱۲ ساله از عهده
تألیف این تذکره باین ثمر مشیانه و مصوع بر آید زیرا که نوشتن چنین شرح
مصوع که غالباً مسجع است کار «بچگانه» نیست. بنا بر این میتوان گفت که طبق
رسم امراء و شاهان یک کسی دیگر از ملازمان در نواب صدیق حسن خان این
کتاب را تألیف و برای خوشبودی و تملق از نواب مرزور و خانواده او این تذکره
را بنام این نواب داده است

اما در باره مؤلف اصلی این کتاب میتوان گفت که با احتمال قوی مؤلف آن
همان مولوی سید محمد یوسف علی گوپاموی «کار بردار آستانه علیه ولیعهد ریاست
بیوپال» بوده که مؤلف راجع ناورد مقدمه مینویسد

«چون هنوز مرا از عمر گرامی مرحله دوازدهم فرا پس است نه دستی
به تیمار دیگران دارم و به فکر چاره خویش خضر این وادی و ساقی این ددی مولوی
محمد یوسف علی صاحب را ارح بر انگیزتم و بدستگیری (و) امداد حساب
موصوف (مرزور) رنگ تالیس و تحقیق ریختم تذکره های جدید که در مولوی

صاحب بودید دری از تحقیق حال گشودند و طریقه انتخاب نمودند (نشان دادید)». همچنین در پایان شرح حال مولوی محمدیوسف مزبور عبارت زیر آمده است: «هر چند ترجمه و کلام (شرح حال و اشعار) آن والا مقام در شمع انجمن و نگارستان سخن گذشت لکن از آنکه (ار آنجا که) در تهذیب و اصلاح این کتاب یار و یاور نامه نگار (مؤلف) است (ذکر) اشعار و (شرح) حال و مقالش مانند حدت واجب گشت»

چاپ

بهوپال مطبع شاهجهانی ۱۲۹۵ هـ .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به نگارستان سخن و صحیح گلشن و

استوری ص ۹۱۵ .

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب ذکر شده و حتی در چاپ بهوسال هم در آغاز یا پایان کتاب

نامه است

روز روشن

ابتدا

حمد خداوند سرایم بحسب تا شود این نامه بنامش درست

نگارش نقش دلغدای نگارستان سخن نگار محمد نقش نگار نگارنگ بدیعه

بر صفحه ایجاد و تکوین نوشته قلم قدرت اوس و تماثل و اشاه گوناگون مخترعه

در کارستان تشبیه و تلویین سرشته دست صنعت او

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد مظفر حسین گوپاموی متخلص به صبا است وی در ۴ شعبان ۱۲۲۹ هـ در لکهنو متولد شده و سپس به بهوپال رفت و این کتاب را پس از ۱۷ سالگی نوشت (بقیه شرح حال او بدست نیامد).

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۲۹۵ هـ (پس از ۱۷ سالگی) آغاز و در ۱۲۹۶ هـ با تمام رسانیده است.

در دیباچه قطعه زیر آورده است که سال آغاز تألیف این کتاب را می‌رساند:

آغاز نمود حامه من شرح آثار نکته سنجان
ماه شعبان و سال مضمهر دلکش اسماء بکنه سنجان

= ۱۲۹۵ هـ (۹)

همچنین در خاتمه قطعه زیر آورده است که سال اتمام تألیف این کتاب را می‌رساند.

چو گردید فارغ ربان قلم ر افسانه دوستان سخن
رتاریخ ابهامش اردل صفا شیدم «ببین دوستان سخن»

= ۱۲۹۶ هـ

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح میدهد که وی «شمع احمن» و «بگارستان سخن» و «صح گلشن» را دیده و در خاطرش گذشت که شرح حال سحوران دیگر از متقدمین و متأخرین که در آن سه کتاب نام و نشان روشن نگشته در تذکره‌ها گمانه‌ای نویسنده استعاره و شرح بعضی شعرای معاصر را که «استدغای اندراج» کرده‌اند ببردان اضافه نماید

مؤلف در دیباچه اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که از آن در تألیف این کتاب استفاده نموده است

۱- شمع انجمن

۲- نگارستان سخن

۳- صبح گلشن

۴- آفتاب‌المتان^۲

مؤلف در شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را نیز آورده است که از آنها در تألیف

این کتاب استفاده کرده است.

۵- شتر عشق

۶- یدبصا

این کتاب مشتملست بر ذکر ۲۴۱۰^۳ شاعر، مقدم و متأخر بترتیب الفبا از روی

حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با « آبی ترشیری » شروع شده با « یوس میریونس ابهری » تمام میشود .

این کتاب فهرست اسامی شعرا را ندارد اما در آخر کتاب فهرستی از ابواب

کتاب آمده است که در آن تعداد شعرائیکه تحت هر باب ذکر شده مذکور است

اشعار و شرح حال اکثر شعرا را حیلی مختصر آورده است و در اکثر موارد معرفی

شاعر را در یک جمله کرده و از او یک دوبیت آورده است.

اما در ذیل ۲۵۰ شاعر اشعار و شرح حال آنها را سببه معصل آورده است مانند

ابوسعید ابوالخیر و اختر و ارشد و غیره .

در ذیل ۵۰ شاعر شرح حالشان اگر چه مختصر است اما مؤلف اکثر اطلاعات مهم

را - ح پرندگانیشان را بهم رسانیده است مانند احیا و اجمل شاه و غیره .

۱- هر گاه مؤلف شرح حال شاعری را از یکی یا بیشتر ارسه کتاب فوق نقل کرده روی اسم

یا تخلص آن شاعر نشان مخصوص «شرو و ص» ترتیب برای شمع انجمن و نگارستان سخن

و صبح گلشن گذاشته است

۲- مؤلف در دیباچه اضافه نموده است که در تألیف کتاب خود اداین کتاب مخصوصا

حیلی استفاده کرده است .

۳- تعداد شعرای مذکور در این تذکره ۲۴۱۱ می باشد اما چون ذکر یک شاعر (امیر

نظام الدین استرآبادی) مکرر آمده است بنابراین تعداد شعرا ۲۴۱۰ می باشد. ۲۴۱۱ چنانکه

خود مؤلف در آخر کتاب تحت عنوان «توضیح» راجع باین موضوع اشاره کرده است .

در ذیل ۵۰ شاعر شرح حالشان اگرچه مفصل است اما مؤلف اکثر اطلاعات مهم راجع به زندگی‌شان را بهم نرسانیده است مانند آزاد گوپاموی و غیره.

در ذیل ۳۰ شاعر شرح حالشان اگرچه مفصل است اما مؤلف اشعارشان را خیلی مختصر آورده است مانند ابراهیم ادهم و امیر و غیره.
در ذیل ۸۰ شاعر اشعارشان را نسبتاً مفصل آورده است مانند ارشدی و افضل و اوحدی کرمانی و غیره.

مؤلف گاهی بر بعضی اقوال و روایات منابع خود ایراد گرفته و نتیجه تحقیق خود را در باره آن موضوع نوشته است مثلاً در ذیل «مؤجد بدایوسی» مینویسد: «آفتاب‌عالم‌تاب و صبح گلشن آرا بلگرامی و مجهول‌الاسم و النسب نگاشته ولی نامش و هاب‌الدین ابن‌ملاقطب‌الدین بدایونی است»

همچنین در ذیل نام «وحشی حوشعانی» مینویسد «در شمع‌انحمن و بعضی تذکره‌ها او را کاشی نگذاشته اند اما آنکه (در) خدمت ملا محتشبه کاشی تلمذ داشت».

یا در ذیل نام سید محمدهادی مینویسد: «در شمع‌انحمن آورده که از شعرای کاشاست و در آفتاب‌عالم‌تاب و صبح گلشن او را یزدجردی نگاشته (اند) اصل این است که ولادتش در یرد حرد و شوو نمای او در کاشان بوده»

اما در هیچ مورد ما حد اطلاعات خود را که از آن در باره موضوعات فوق تحقیق نموده است ذکر نکرده و ما بر این نمیتوان بر قول مؤلف اعتماد کرد و بدون شک تردید آرا قبول کرد

در آخر این کتاب طبق رسم شمع‌انحمن و نگارستان سخن و صبح گلشن بعضی قطعاتی که سال تألیف و طبع کتاب را میرساند و تقریباً از شعرای ادبای بهرنال صمیمه شده است

بر خلاف ادعای مؤلف مسی برسالت و بی تکلفی عدرات، سکا اندی او عالمی مصنوع است و گاهی نثر مسجع عم نوشته است و مخصوصاً در شرح حال خود تحت نام «صا» که در اصل آورده است نثر او بقدری مصنوع و پر تکلف و پر از خشو و زواید

است که مطالب آنرا میتوان در دو جمله بیان کرد و منظور مؤلف در نوشتن این عبارات مصنوع غیر از فضل فروشی چیز دیگر نبوده است
همچنین شرح حال شاعر اول «آبی ترشیزی» را کاملاً بشرح مسجع نوشته است.

اما رویهم رفته ادعای مؤلف مبنی بر «بسطی کافی غیر ممل و اطنابی وافی یا محل» در اکثر موارد صحیح است زیرا که برخلاف رسم سه کتاب سابق الذکر (شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن) مؤلف شرح حال اکثر شعرا را مختصر اما جامع و بدون اطناب غیر ضروری آورده است.
این کتاب هم مانند سه کتاب همانند خود مخصوصاً در مورد معاصرین دارای اهمیت و ارزش میباشد.

چاپ

بهوپال مطبع شاهپحایی ۱۲۹۷ هـ

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به رور روشن (که مؤلف تحت نام «صبا» شرح حال بسیار مختصر بشرح بسیار مصنوع آورده است)

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب ذکر نشده حتی در چاپ بهوپال هم در آغاز یا پایان کتاب نیامده است

اختر تابان

ابتدا

«سحنی که آس و تابش روکش لعل بدحشان و یاقوت درحشان باشد ستایش داور یکتا هستورهستی نما و کلامیکه بهتر و خوشتر از گوهر شاهوار و زمرد آبدار بود نعت خاتم المرسلین است که مدام بر روان پاکش سلام و درود خداست»

شرح حال مؤلف

مؤلف ابوالقاسم محتشم است. وی در سوم ماه محرم ۱۲۷۶ هـ در بهوپال بدیا آمد - نسبش به جابر بن عبدالله انصاری میرسد و اجداد وی که «صاحب السیف و القلم» بودند از مدینه منوره به بغداد مهاجرت کرده چندین قرن در آنجا سکونت داشتند و سپس به همدان رفته و در آنجا «بعت و حشمت» بر میگردند یکی از احداث مؤلف در زمان نواب آصف الدوله (۱۱۸۹-۱۲۱۲ هـ) به هندوستان آمده به لکنورفت و آنجا سکونت گزید و بخدمت نواب مرپور در آمد سپس به رستان رفته و دختر سید حیدر بغدادی را «در حواله نکاح کشید» پس روی مولانا احمد دیمینی شروانی (متوفی ۱۲۵۶ هـ در بلده پونا) که تألیفات بسیار دارد به ندرت و در خدمت انگلیسها و غاری الدین حیدر پادشاه اود بعت و احترام زیدگی کرد حلف الرشیدی مولانا عباس شروانی متخلص به رفعت که صاحب تألیفات بسیار بوده پدر مؤلف بود و در خدمت و الیه بهوپال و در مجلس نواب امیر الممالک بود

(بقیه احوال زیدگی مؤلف بدست بیامد)

تصیره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در سال ۱۲۹۸ هـ تألیف نموده است حاکم در حاتم

مینویسد:

«تاریخ سوم شعبان سنه ۱۲۶۸ هـ برابرش روز ۱ تیرماه ۱۲۸۸ و صلی^۲ مطابق یکم جولائی (اول ژوئیه) سنه ۱۸۸۱ (میلادی) ارتالیف فراغ حاصل گردید مؤلف در مقدمه کتاب بشر مصنوع راجع به نادر و کمیاب بودن سخن شاعرها شکوه کرده و میگوید: «زن بخلاف مرد در صد هزار یکی سخنندان میباشد و آن هم بسبب پرده نشینی (حجاب) در زاویه گمنامی (میباشند)». پردرداری زنان در زمره اهل ایمان حائلی رسید که لقب ربان هستورات گردید. پس چنانکه آنها مدت‌العمر در تنق نشستند و در پرده (حجاب) پیوند زمین گشتند همچنان اکثر کلام ایشان نیردر پرده عدم بهان وار حوادث زمان رایگان شد. در شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن و روز روشن که حاوی ذکر خیر پنجشش هزار شاعر نامدار اندواین اسفار اربعه از (چهل کتاب که اسم آنها را مؤلف ایضا نوشته است) و دیگر چند کتاب. که تفصیل اسمای آن بسیار است و تراجم اکثر سخن سنجان معاصر آرایش و پیرایش یافته‌اند چون تفحص بکار رفت صرف نام و

۱- درش نام روزی چندم از هر ماه شمسی ایرانیان قدیم بوده که ایشان ایام هفته نداشتند و هر روز را به اسمی میخواندند. فردوسی: چو حور سپهر آورد در روزش تور از ندگی باد پندرام و حوش ایضا عنصری در آمد در آن حال چون بهشت بر وزش از ماه اردیبهشت (فرهنگ نظام) (تذکره: در بیت فوق فردوسی در فرهنگ نظام بحای «هور» «حور» آمده است که محققا اشتباه است و ظاهرا اشتباه کتاب است چون خود مؤلف فرهنگ نظام این کلمه را در حرفیها آورده است و آنجا مبی آن آفتاب نوشته و بعنوان سند بیت دلیل از فردوسی نقل کرده است:

از ویست شادی و رویت روز خداوند کیوان و ماهید و هور

۲- فصلی نوعی از تقویمهاست که در هندوستان معمول بوده است

نشان قریب چهل شاعره زن و شرح حال آنها نهایت مختصر بملاحظه در آمد
بحدی که از کلام بعضی صرف (تنها) يك بيت بنظر گذشت و همان يك شعر (بيت)
در چند تذکره یافته شد .

مولانا فخری هروی که . حواهر العجايب تذکره شاعرات پارسی زبان نوشته
بهرار تلاش ست وسه (بیست و سه) شاعر (ه) یاقمه و جناب والدماحدم . مولانا محمد
عاس رفعت رام ظلله که صدها کتاب کمیاب (را) مطالعه فرموده اند .. بتلاش بسیار
بقدر هشت ورق برخی از کلام و تراجم قریب پنجاه زن (را) جمع کرده اند .
هیچمدان (مؤلف) .. مدتی بگرد آوردن این حواهر رواهر کمر همت بسته ... حال
وقال هشتاد و دوزن فراچنگ (بدست) آورده است ۴

مؤلف این کتاب را با ترغیب برادر خود ابوالحسن و بعزمایش نواب شاهجهان
بیگم والیه بهوپال تألیف نموده است
مؤلف در مقدمه کتاب های زیر را حرومنابع خود در تألیف این کتاب
آورده است .

- ۱- شمع احمن ۲- نگارستان ۳- صح گلشن
- ۴- رور روشن ۵- سرو آزاد ۶- خزانه عامره
- ۷- ید بیضا ۸- آفتاب عالمناب ۹- شتر عشق
- ۱۰- آتک شده آذر ۱۱- تذکره شیخ علی حرین
- ۱۲- تذکره حسینی ۱۳- تذکره (حوهر) پی زری
- ۱۴- لب لباب (لباب الالباب) عوفی ۱۵- تذکره سامی
- ۱۶- خلاصه الأشعار (تقی کاشی) ۱۷- همت اقلیم
- ۱۸- منتخب التواریخ ۱۹- مجمع العصالی بمائی
- ۲۰- تذکره میرزا ظاهر (نصر آبادی) ۱۲- مرآت الحیار
- ۲۲- همیشه بهار ۲۳- حیات التعمیرای متین
- ۲۴- سعینه بیخبر ۲۵- زریض الشعر

- ۲۶- کلمات الشعرا ۲۷- مجمع التقایس
 ۲۸- تذکره تقی اوحدی (عرفات) ۲۹- تذکره بینظر
 ۳۰- نتایج الافکار (قدرت) ۳۱- تذکره ناظم (تبریزی)
 ۳۲- تذکره ملا قاطعی ۳۳- گل رعنا
 ۳۴- شام غریبان ۳۵- جواهر زواهر
 ۳۶- قند پارسی سماخ ۳۷- گلستان مسرت
 ۳۸- مشترغم ۳۹- نقایس المآثر
 ۴۰- تذکره باغ ارم ۴۱- خریطه جواهر
 ۴۲- گلزار ابرار ۴۳- جواهر العجایب

همچنین در خاتمه کتاب شرح حال رابعه بلخیه و مستوره کرد ستانیه را مؤلف (بقول خودش) از تذکره مجمع الفصحای میرزا رضاقلی هدایت (چاپ تهران) نقل کرده است.

از جمله کتب فوق تذکره های (جوهر) پیروی و حیات الشعرای متین و جواهر زواهر و باغ ارم امروز پیدایست و از این حیث ارزش این کتاب امروز بیشتر میشود.

مؤلف از چهار کتاب اول سابق الذکر خیلی استفاده کرده و همچنین خریطه جواهر و گلزار ابرار جزو مأخذ مخصوص این چهار کتاب میباشد. مؤلف از جواهر العجایب هم خیلی استفاده کرده و بسیاری از مطالب را از این کتاب نقل کرده است. این تذکره مشتمل است بر ذکر هشتاد و چهار^۱ تن از زبان شاعر بترتیب الفبازروی حرف اول اسم یا تخلص آنها و یا آرزوی سمر قندی، شروع شده با

۱- مؤلف اول ذکر هشتاد و دو تن را آورده است و سپس در خاتمه ذکر دو تن از زبان شاعر (رابعه بلخیه و مستوره کرد ستانیه) را اضافه نموده است. استوری عده آنها را تنها هشتاد و دو نوشته است (ر.ک. استوری ج ۱ ص ۹۱۶)

«یاسمن بو» تمام میشود اما در خاتمه ذکر رابعه بلخیه و مستوره کرد ستانیه را نیز اضافه کرده است

مؤلف در جمع آوری شرح حال و آثار زبان شاعر خیلی کوشش و تلاش کرده است و میتوان گفت که در میان تذکره‌هایی که تا آنوقت درباره زنان شاعر نوشته شده بود این تذکره جامع‌تر از سایر تذکره‌ها است.

در ذیل نام اکثر شاعره‌ها مؤلف اشعار و شرح حال آنها را که از تذکره‌های مختلف پیدا کرده است یکجا جمع نموده و از این حیث سعی وی قابل تحسین و آفرین است. اما گاهی مؤلف شرح حال بعضی از شاعره‌ها را ظاهراً تماماً مفصل بیاورده است مانند نورجهان بیگم که شرح حال آنها در کتب تاریخ مفصل آمده است و مؤلف میتواند شرح حال آنها را مفصل‌تر بنویسد اما وی در این قسمت سهل‌انگاری نموده است.

سک انشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما گاهی مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف شاعره‌ها نثر مصنوع و گاهی نثر مسجع بکار برده است مانند:

«بلبعه شیرازی - خوش فکر بود (و) سخن موزون می‌فرمود» یا «حجایی
جر باد قانیه - شعر بآب و تال میگفت تو گوئی گهر می‌سفت»
سالها را بزبان عربی آورده است

چاپ

مطبع شاهجهانی دارالاقبال بلده بهوپال ۱۲۹۹ هـ
برای شرح حال مؤلف رجوع شود به اختر تا بان چاپ بهوپال .

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اختر تا بان چاپ بهوپال.

تذکرۃ الخواتین

ابتدا

«خامه صنع که اوراق جهان آراید خلدرا سیر بحیرات حسان آراید
زهی نگارنده قادر و پیرارزنده قاهر که در چشمه امهات صورت نبات را جمال
معنی داد و بسیاری از ربّات حجال را و در بعه کامل از معرفت و کمال نهاد».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میرزا محمد بن محمد رفیع ملقب بملك الكتاب شیرازی است وی
در ۱۲۶۹ هـ در شیراز متولد شد در ۱۲۸۵ هـ در بمبئی سکونت گزید و آنجا شعل انتشار
و فروش کتاب را شروع کرد و در این کار بسیار پیشرفت و معروفیت حاصل نمود
در ۱۳۰۰ هـ وی را دولت ایران لقب ملك الكتاب اعطا کرد و در ۱۳۱۷ هـ دولت هند تیر
لقب «خان صاحب» باو داد از جمله کتبی که وی در بمبئی چاپ کرد تذکره دولت شاه
است که وی در ۱۸۸۷ میلادی منتشر کرد
(بقیه احوال وی بدست برسد)

آثار مؤلف بدین قرار است:

۱- ریت الزمان یا تاح التواریخ و سلاله السیر که در ۱۳۱۰ هـ (در بمبئی)
چاپ شد.

۲- اکسیر التواریخ و سیر الائمة - ترجمه و خلاصه نقارسی از کتاب عربی کشف
الحجّه فی معرفة الائمة تألیف بهاء الدین علی الازلی معروف به ابن الفجر (متوفی
در ۶۹۲ هـ) چاپ بمبئی ۱۳۰۸ هـ.

۳- تاریخ انگلستان یا جهان آرا - تاریخ مختصر انگلستان با خلاصه تاریخ اروپا
است که مؤلف با استفاده از آثار جون اتن اسکات (Jonathan Scott) و غیره تألیف

نموده است چاپ بمبئی ۱۳۰۶ هـ .

۴- تاریخ قدیم یونان و تاریخ حکمای فلاسفه یونان - مؤلف این کتاب را با استعاده
ار آثار انگلیسی که در این موضوع نوشته شده تألیف نموده است . چاپ بمبئی ۱۳۰۶ هـ .
۵- مرآت الزمان - تاریخ مختصر چین و جاپان (ژاپن) در ۱۱۱ صفحه .
چاپ بمبئی ۱۸۹۳ میلادی .

۶- الف بهار در حکایات و غیره چاپ بمبئی ۱۳۱۳ هـ .

۷- آیات الولایه . دفاع از حق علی و ائمه بخلافت . چاپ بمبئی ۱۸۹۸ م

۸- مفتاح الرق . درباره روابط کارمند و کارفرما . چاپ بمبئی ۱۳۱۵ هـ .

۹- کشف الصناعات یا منتجبات محمدی در بیان صنایع مختلف . ۱۳۱۱ هـ

۱۰- تحفة الخواتین . در بهداشت زنان . چاپ بمبئی ۱۳۲۵ هـ .

۱۱- تذکرة الخواتین - تذکره مورد بحث

تبصره بر تذکره

مؤلف این تذکره را در ربیع الاول ۱۳۰۶ هـ در بهوپال نام نواب شاهجهان

بیگم والیه بهوپال تألیف نموده است

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد :

« باید غافل نبود که در این جهان زنان بوده اند که در زیر مقنعه کله داریها

نموده اند در فهم حقایق احتمادی کرده در حل غوامض تحقیقی انبیا آورده لشکر

شکسته اند کشور گرفته اند صد کار کرده اند صد راه رفته اند و ارباب سیراز آنها

بدرستی دگری نکرده اند مصمم شدم که در حالات نساء مشهور استقصا کنم و باستمداد

رحال اهل حق طرحی برای بنابیرم از حسن اتعاق: کتاب « مشاهیر النساء »

از مؤلفات ادیب اریه محمد ذهنی آفندی « بدست آمد . ترجمه آنرا اساس قرار داده

معلومات خود را با بعضی تصرفات که بظن فاقد درست میآمد بدان افزودم و بنگارش

احوال حیرات حسان ابتدا نمودم . »

مؤلف از منابع خود تنها اسم کتاب « مشاهیر النساء » تألیف محمد ذهنی آفندی «

ذکر نموده است اما باید اذعان کرد که مؤلف کتاب « خیرات حسان » تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه (صنیع الدوله) چاپ تهران را با حذف نام مؤلف و تفسیر نام کتاب تألیف آنرا بخود نسبت داده است همچنین معلوم نیست چرا اسم « اختر تانان » را که هفت سال پیش در همان شهر (بهوپال) که مؤلف بتألیف این کتاب پرداخته است چاپ شده بود ذکر نکرده و جالب اینجاست که « اختر تانان » هشتاد و چهار شاعر را ذکر نمود اما این کتاب که هفت سال بعد از آن نوشته شده است تنها پنجاه و دو شاعر را ذکر نموده است.

این کتاب مشتملست بر ذکر « مشاهیر نسوان عالم از عرب و روم و هند و عجم از صدر اسلام تا سال تألیف کتاب » و « اوصاف حمیده و صفات پسندیده آنها » و اشعاری که عربی و فارسی و ترکی گفته اند و حکایات و عجائبی که از آنها روایت شده است مؤلف این کتاب را با ذکر حضرت آمنه و بست و هب و والده حضرت رسول آغاز کرده و سپس ذکر پنجاه و دو شاعر را بترتیب الفبا آورده است که اول آنها « آغا کوچک » و آخرشان « یاسمن بو » است

در ذیل « اعلی حضرت (علی حضرت) و کتوریه پادشاه (۱۱) (ملکه) انگلستان و امپراطور هندوستان » که در هشت صفحه این کتاب آمده است مؤلف اطلاعات مفصلی راجع بر بدگانی ملکه و کتوریا و وقایع مهم تاریخی عهد او تا سال تألیف کتاب ذکر نموده است از محتویات کتاب معلوم میشود که مؤلف شیعه متعصبی بوده چنانکه در ذیل نام حضرت حمصه اسم خلفای ثلاثه و حضرت حمصه را با احترام ذکر نکرده (رجوع شود به ص ۹۰) و همچنین در ذیل نام حضرت صفیه اسم حضرت عایشه و زینب بنت حجاج و حمصه و حویریه را با احترام نیاورده (رجوع شود به ص ۹ - ۱۴۸) اما اسم حضرت علی و اهل بیت و ائمه را با احترام ذکر کرده است

مؤلف سال وفات و وقایع مهم دیگر مربوط بر بدگانی خواتین را غالباً ذکر نموده مخصوصاً در ذیل نام خواتین عرب و خواتین از خانواده حضرت علی غالباً سال و وقایع مهم را ثبت نموده است .

در ذیل نام بعضی شاعره‌ها اشعار مستذلی هم‌ارز آنها نقل کرده استمثلاً رجوع شود به نام‌زین‌النسا بیگم و تونی.

سبک اشای مؤلف غالباً قدیمی و غیر ساده است و گاهی بعضی عبارات را بیشتر حیلی مصنوع و پرتکلف آورده استمثلاً رجوع شود به جهان‌خانم مادر ناصرالدین شاه و نواب‌شاه جهان بیگم.

چاپ

بهوپال ۱۳۰۶ هـ

برای شرح حال و آثار مؤلف رجوع شود به استوری ح ۱ ص ۲۱۰ و ۴۲۹

و ۴۳۰ و ۴۹۲ و ۹۱۶

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به چاپ بهوپال ۱۳۰۶ هـ

تکمله مقالات الشعرا

ابتدا

«به مدح هر که برداری بود حمد خدا ای دل

که وصف صنع ناشد صانع او را نای دل»

ستایش و بیایش مر قادری را که شه فرد حورشید و دو مصرع مهر و ماه و مثلث

هوالید ثلاثه و رباعی عناصر اربعه و محسن حصه متحیره و مسدس جهات سته و مسبع

سع سیاره و مثنی هشت بهس مورون فرموده سلیقه متبیت اوست و نظم پروین و شر

بنات النعش و قصیده کپکشان و قطعات معجب و ترکیب بند منطقه البروج و مطلع شرق^۱
و مقطع غرب^۲ زاد طبع اوست .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد ابراهیم متخلص به مسکین و خلیل و اسم پدرش مخدوم
عبدالکریم متخلص بکریم (متوفی در ۱۷ صفر ۱۲۷۲ هـ). مولدومسکر مؤلف تته (سند)
ا ت . وی اصلاهراتی و نسبا صدیقی و طریقه نقشنای و منہا حنفی بود . وی بس
مفصل خود را در دلیل شرح حال خود در این تذکره نوشته است .

خلیل در ماه جمادی الاولی ۱۲۴۳ هـ متولید شد و این بیت اوسال ولادت او را میرساید
سال میلاد منیفش سرالهام گفت دل (۴) «گوهر درح شرف علم لندن»

(= ۱۲۴۳ هـ)

خلیل چهل سال بعد از وفات میرعلی شیرقانع (متوفی در ۱۲۰۳) مؤلف مقالات
الشعرا (تالیف ۱۱۷۴ هـ) متولید شد . این همان سالست که پرورنده و مری بررگ ادب
فارسی و شاعر این زبان میرکریم علی حان که سومین نمراد سلسله حکام تالپورسند بود
سال آخر زندگی خود رسیده بود و دوازده ماه بعد در جمادی الثانی سنه ۱۲۴۴ هـ
چشم از جهان بر بست و بعد از وی برادرش میر مرادعلیحان متخلص به علی آخرین
فرمانروای این سلسله که مانند برادر خود شاعر فارسی گوی و ادب پرور بود بر مسند
سلطنت نشست ولی شش سال بعد در ۱۲۴۹ هـ (= ۱۸۳۲ م) از این جهان رخت بردست .
این زمانی بود که انگلیسها بوسیله دسایس و توطئه چینی هاسعی می کردند که
سند را تحت تسلط خود در آورند . بالاخره در زمان حکومت سلسله دوم حاندان
تالپور انگلیسها تمام قراردادهای خود را که با حکام سابق سند بسته بودند برپا گذاشته
و با کمک و همکاری میرعلی مراد حان تالپور والی حیرپور (سند) نقشه توسعه طلبی به خود را

۱- از روی نسخه چاپی «مشرق»
۲- از روی نسخه چاپی «مغرب»

جامه عمل پوشاندند و بر ناحیه سینه تسلط پیدا کرده قسمت خیرپور را به میر مرادعلیخان مرپور بعنوان پاداش و جایزه برای همکاری با انگلیسها واگذار کرده بقیه ناحیه را به سلطنت خود منضم ساختند.^۱ در فوریه ۱۸۴۳ م (۱۲۵۹ هـ) انگلیسها کلیه اعضای خانواده تالپور را که احکام سد بودند غیرار میر مرادعلیخان مرپور دستگیر کرده عنوان زندانیان سلطنتی به بمبئی فرستادند^۲ و بدین ترتیب دوره آزادی و استقلال سند سپری گشت

سقوط خاندان تالپور در سند برای زبان فارسی بمثابه پیام مرگ در این ناحیه بود چون انگلیسها انگلیسی را بجای فارسی زبان رسمی اعلام کرده و بساط شعر و ادب فارسی را بکلی برچیدند و باهالی سندها مانند سایر نواحی هندوستان خاطر نشان ساختند که یاد گرفتن انگلیسی متضمن فواید کثیر میباشد در حالیکه برعکس آن یاد گرفتن ارسى برای آنها هیچ سودی در بر ندارد چنانکه بیت زیر زبان سندهی فکر آن دوره در این مورد میرساند .

فارسی پرهسین تیل و کتین انگریزی پرهیس گهوری چرهیس

(یعنی اگر فارسی بخوانید نعت میروشید و اگر انگلیسی بخوانید براس
عزت سوار میشوید)^۳ .

موقی که سندهست انگلیسها افتاد خلیل هوزهمده ساله بیش سوده و بنا بر این اگر وی هده سال بعد بدیا آمده بود هیچوقت نتحصیل فارسی و عربی توفیق نمییافت چون بعد از انگلیسها دیگر احتیاج به فرا گرفتن این زبانها نبود و لذا شاید هیچوقت بتالیف این تذکره طور تکلمه مقالات الشعراى مادت نمیزید

در محیطی که خلیل چشم بدیا گشوده و پرورش یافته و کسانی که وی با آنها

۱- ر.ك. تاریخ سده ارحداخان چاپ سدهی ادبی پورد کراچی ۱۳۲۸ هـ = ۱۹۵۹

میلادی (ص ۱۵۹)

۱- ر.ك. «تاریخ سده» - مقدمه گردآورنده (انگلیسی)

۲- ر.ك. تکلمه - مقدمه گردآورنده

صحبت داشته و از فیوض معنوی آنها کسب فیض نموده تمام آنها اهل علم و صاحبان سیر و سلوک بودند . در شهر تته آنوقت چهار خاندان وجود داشتند که مرجع اهل علم و در عرفان و ابقان معروف بودند .

اولا خانواده محدوم، ابوالقاسم نورالحق نقشبندی که نویسنده این خاندان نقشبندی درسد رواج و شیوع پیدا کرد .
ثانیاً خاندان محدوم علامه محمد هاشم تنوی که اعضای آن به تنها سرچشمه رند و هدایت محسوب میشدند بلکه منبع پررگ علوم معقول و منقول هم بودند
ثالثاً خانواده میراحسن اله و میرنظر علی که مسع تصوف و طریقت بود .
رابعاً خاندان خود حلیل که اعضای آن مورد احترام خاصی در سراسر سند بودند.
هر چهار خاندان مر بور نام خاندان قندهار که مورث اعلائی آن شاه صفی اله نام داشت ارادت داشتند .

خلیل در چنین محیط عرفانی تربیت شد و بنا بر این چون بررگ شد دوق عرفان را نارت برده و صوفی صافی و پیر طریقت بار آمد . وی هشت ساله بود که از قرائت قرآن فارغ شد و سپس بخواندن فارسی پرداخت و حظاطی هم یاد گرفت
علم صرف را پیش پدر خود یاد گرفت و مجموعه صرف و نحو کافیه و کنز - الدقایق فقه و هلم حرا تا توصیح در علم فقه و قسمتی از مطول معانی را خواند
همچنین چند ورق را از « سلم » در علم منطق خواند اما چون « حوایبهای پریشان » دید آنرا کنار گذاشت . در علم ریاضی شرح چعبی و در علم حدیث بعضی قسمتهای مشکوة و حضرت سنن ابی داود « ارباب اسم الله تا تمت » و در علم تفسیر قسمتی از حالین و مدارك شریف حو اند و در علم فقه تا هدایت و در مختار حو اند اما بشاگردان خود تدریس کرد همچنین در اصول حدیث بر نسخه صغیره حو اند و در علم مناظره چند درس از « رشیدی » شید

خلیل هنور « خردصال » بود که سوشتن شعر پرداخت چنانکه در ذیل نام عباس علی تنوی متخلص به علی میویسد .